

تغییر رژیم ایران ، تنها راه حل معضل کنونی جامعه جهانی

همواره دو نوع طرز فکر به طور سنتی برای تعیین نحو رویکرد ایالات متحده به دنیا، با یکدیگر رقابت داشته اند. واقعگرایان اعتقاد دارند ما باید بسیار مراقب آنچه کشورها داخل مرزهایشان می کنند، باشیم. اقدامات کشورها بر سیاست خارجی شان تأثیر می گذارد و به همین دلیل، این رویکرد باید در اولویت باشد. نومحافظه کاران نظر دیگری دارند: آنها می گویند آنچه بیشترین اهمیت را دارد، ماهیت

این کشورهاست. اعتقاد نومحافظه کاران هم از دلایل اخلاقی نشأت می گیرد و هم از این دیدگاه که دموکراسی ها (خصوصاً در نوع شکل گرفته اش)، نسبت به رژیم های خودکامه، تهدید بیشتری را متوجه همسایگان می کنند. من در این زمینه واقع گرا هستم و می گویم تغییر یک رژیم و جایگزین کردن آن با حکومتی از نوع بهتر، شیوه آسانتری است. ضمناً اعتقاد دارم واشنگتن در اغلب موارد، امکان بیگیری چنین رویکردی را

سقوط است، تماس مستقیم برقرار کرد. در نتیجه، فرصت گرانبهائی برای مهار برنامه هسته ای ایران ز دست رفت. دولت تازه کار اوپاما نیز بر تمایل خود برای گفتگوی بدون پیش شرط با ایران تأکید کرد. برآوردهای این رئیس جمهور نیز ز واقع نگری به دور است. به نظر نمی رسد دموکراسی و مذاکرات ابزار مناسبی باشند. گزینه دیگر، استفاده از نیروی نظامی علیه تأسیسات هسته ای و یا کنار آمدن با ایران مجبزی به بمب هسته ای است.

استدلال اوپاما بر این اساس بود که اگر دیپلماسی شکست بخورد، کسب پشتیبانی داخلی و خارجی از تحریم های بیشتر، کار ساده تری خواهد بود. من تا پیش از این، با دیدگاه اوپاما موافق بودم. اما حالا نظرم را عوض کرده ام. گفتگوهای هسته ای به جایی نمی رسند. به نظرمی رسد ایرانی ها عزم خود را برای توسعه ابزار ساخت، تسلیحات هسته ای جزم کرده اند.

بقیه در صفحه ۴

ندارد. برای مثال، ایالات متحده باید برای مهار کره شمالی با چین غیردموکراتیک همکاری کند و برای کاهش ظرفیت زرادخانه ها، با روسی تک محور کار کند. این مبحث اصلاً رنگ و بوی علمی ندارد. آنچه در محوریت پیچیده ترین موضوع بین المللی سال ۲۰۱۰ قرار گرفته، ایران است.

دولت بوش در آستان رویدادهای ۱۱ سپتامبر، به اشتباه گمان می کرد ایران به وقوع یک انقلاب نزدیک است و نباید با دولتی که در ورط

تغییر رژیم تنها راه

هیچ توجیه دیگری برای وجود تأسیسات مخفی غنی سازی اورانیوم در نزدیک شهر مقدس قم وجود ندارد. خوشبختانه به نظر می رسد برنامه هسته ای آنها با مشکلات فنی روبرو شده است و این خود، لزوم تصمیم گیری برای دست زدن به یک حمله پیشگیرانه را از دستور کار خارج می کند. در عوض، ما باید بر روی حقیقت دیگری تمرکز کنیم؛ شاید به احتمال ایجاد یک تغییر سیاسی در ایران، بیش از هر زمان دیگر از ابتدای انقلاب نزدیک شده باشیم.

مقامات ایران نتایج انتخابات خرداد ماه گذشته را دستکاری کردند و سپس با سرکوب وحشیان معترضان، کار را برای خود سخت تر کردند. آیت الله علی خامنه ای رهبر عالی ایران، و نیز محمود احمدی نژاد رئیس جمهور، مشروعیت خود را از دست رفته می بینند. جنبش سبز پیش از هر آنچه پیش بینی می شد، بزرگتر و قدرتمندتر شده است. ایالات متحده، دولت های اروپائی و سایرین باید سیاست خود در قبال

ایران را به گسترش دورنمای تغییرات سیاسی در آن کشور معطوف کنند. رهبران باید صریحاً ز مردم ایران و حقوق آنها سخن بگویند اوپاما پس از وقوع چندین تظاهرات، نظیر تظاهرات روز عاشورا، در روز ۲۸ دسامبر همین کار را کرد. بقیه نیز باید این شیوه را دامه دهند. رهبران کنگره و جهان نیز باید این کار را انجام بدهند. باید علیه سپاه پاسداران ایران تحریم وضع شود. می توان فهرست منابع مالی آنها را در اینترنت منتشر کرد. ایالات متحده باید برای بازداشتن تجارت و تأمین مالی شرکت های مشکوک و تحت کنترل، سپاه، به تعادیه اروپا و سایر کشورها فشار وارد کند. سپاه پاسداران اکنون صاحب قسمت عمده سهام شرکت مخابرات است. هیچ شرکتی نباید سپاه را در محروم ساختن و یا زیر نظر گرفتن استفاده از اینترنت، تجهیز کند.

فزایش دانسته های مردم ایران مری حیاتی است. می توان از خارج

برای دسترسی مردم به اینترنت، رسانه ای که مهمترین ابزار انتقال اطلاعات به ایران و نیز ارتباط مخالفان با یکدیگر است، کمک کرد. انجام ندادن بسیاری از کارها نیز به اندازه انجام دادن برخی کارهای دیگر حائز اهمیت است. نمایندگان کنگره و مقامات ارشد دولت باید از دیدار با مسؤولان رژیم ایران خودداری کنند. هرگونه کمک به مخالفان ایران باید به دور از وجوه خشونت طلبی باشد. مخالفان ایران باید تحت حمایت دولت های غربی قرار بگیرند نه تحت رهبری آنها. نباید به هیچکاری جزء حمایت از دموکراسی و پایان دادن به بازداشت های خشونت بار و غیرقانونی دل بست. هم اکنون کنگره آمریکا به بحث درباره تحریم واردات بنزین و محصولات پالایشی توسط ایران مشغول است. موضوعاتی از این دست باید در سازمان ملل دنبال شوند تا تمرکز بین المللی از رفتار غیرقانونی ایران به ایراد ابهام درباره مشروعیت تحریم های یکجانبه آمریکد منحرف نشود. مذاکرات بر سر برنامه هسته ای باید ادامه پیدا کند. اما اگر پیشرفت غیرمنتظره

ای هم پیش آمد، پادشاه به ایران باید اندک و محدود باشد. عادی سازی کامل روابط با رژیم، باید به انجام اصلاحات واقعی در سیاست های ایران و نیز پایان دادن تهران به پشتیبانی از تروریسم منوط شود. منتقدان می گویند پیشبرد سیاست تغییر رژیم، به باز گذاشتن دست ایران در زدن برچسب جاسوسی به معترضان منجر خواهد شد. اما رژیم همین حالا هم این اتهامات را وارد کرده است. خارجی ها باید در جهت تقویت مخالفان و تشدید شکاف های موجود میان حاکمان ایران حرکت کنند. چنین پیشرفتی قریب الوقوع است. هرچند زمان گیر است، اما اولین شانس دهه گذشته را برای تبدیل ایران به یک کشور بهتر در داخل و خارج از مرزهایش به ارمغان خواهد آورد. حتی یک واقعه گرا نیز تصدیق می کند این فرصتی است که نباید از دست برود.

منبع: نیوزویک- ۲۲ ژانویه ۲۰۱۰
ریچارد هاس